

عبادت در سبک زندگی اسلامی

جایگاه عبادت در اسلام

اشاره

عبادت و پرستش به معنای نهایت تعظیم و کرنش، در برابر کسی است که سزاوار آن می‌باشد^۱ و کسی جز خداوند یکتا و جهان‌آفرین، سزاوار عبادت نیست. عبادت معمولاً با افعالی نمادین یا سمبلیک آمیخته است که قالب‌های شرعی عبادت هستند؛ مانند نماز، روزه، سجده، دعا و ذکر.^۲ عبادت گاه واجب و گاه مستحب است. بی‌شک عبادت و بندگی، یکی از بهترین راه‌های تقرب به پروردگار یکتاست و در منظومه عملی اسلام جایگاه والایی دارد. در این جلسه و چند جلسه بعدی، قصد داریم تا با نگاهی دوباره به مبحث عبادت در اسلام، برخی از زوایای آن را بازشناسی کرده، اهمیت و نقش آن را در سازندگی انسان بیان کنیم و برخی حدود آن را مشخص سازیم تا از برخی کوتاهی‌ها و زیاده‌روی‌ها در این زمینه به دور بمانیم. در این نوشتار جایگاه عبادت در سبک زندگی اسلامی را بیان، و با بهره‌گیری از آیات و روایات و تحلیل آنها، نمایی کلی از میزان مطلوب عبادت در اسلام را ترسیم

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ *مفردات الفاظ القرآن*؛ ص ۵۴۲؛ مرتضی زبیدی؛ *تاج العروس*؛ ج ۵،

۲. البته عبادت گاهی در معنای عام، به هر نوع عمل خداپسندانه نیز گفته می‌شود که با انگیزه تقرب به خدا انجام شود، ولی محل بحث ما در این جلسه همان معنای نخست و خاص عبادت است.

می‌کنیم.

۱. اعتدال عبادی در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

با تأمل در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به این نکته پی می‌بریم که نوعی اعتدال بر سبک زندگی ایشان سایه افکنده است که بخشی از آن نیز اعتدال در عبادت است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سنت خود، هم افراط در عبادت را نفی کرده است و هم تفریط در آن را. یکی از بارزترین مصادیق افراط در عبادت پدیده رهبانیت است که در آیین مسیحیت و برخی ادیان دیگر هم چون «بودا» و «جین» رایج بوده و هست و آن حضرت با آن مخالفت کرده است. رهبانیت، از ماده رَهَب به معنای ترسیدن^۱ یا ترسیدن همراه با احتراز و اضطراب^۲ و در لغت به معنای مبالغه در تحمل تعبّد از شدت ترس است.^۳ پس از شکل‌گیری رهبانیت در مسیحیت (از میانه‌های قرن چهارم میلادی به بعد)، انزوا و صومعه‌نشینی، اشتغال به عبادت و دعا، تجرد و ترک ازدواج، فقر و ساده‌زیستی شدید (مثل پوشیدن پلاس و روزه پیوسته و ترک غذاهای لذیذ) و ریاضت نفس که گاه به حد شکنجه خود می‌رسید، از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن بوده است.^۴ شریعت اسلام بر نفی رهبانیت پایه‌گذاری شده است.^۵ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

۱. خلیل بن احمد فراهیدی؛ کتاب العین؛ ج ۴، ص ۴۷؛ احمد ابن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ ج ۲، ص ۴۴۷؛ اسماعیل بن حماد جوهری؛ الصحاح؛ ج ۱، ص ۱۴۰.
۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ ص ۳۶۶.
۳. همان.
۴. رک: فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان؛ ج ۹، ص ۳۶۵-۳۶۶؛ سید عبدالحجت بلاغی؛ حجة التفاسیر؛ ج ۲، ص ۶۵۸-۶۵۹ و ۶۷۲-۶۷۳؛ نشوان بن سعید حمیری؛ شمس العلوم؛ ج ۴، ص ۲۶۵۶؛ جارالله زمخشری؛ الفائق؛ ج ۲، ص ۹۳؛ مبارک بن محمد ابن اثیر؛ النهاية؛ ج ۱، ص ۲۸۰.
۵. رک: احمد بن محمد برقی؛ المحاسن؛ ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۴۳۱؛ نیز: محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۷، ح ۱: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَى مُحَمَّدًا سَرَائِعَ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى عَلَيْهِمُ السَّلَام التَّوْحِيدَ وَ الْإِحْلَاصَ وَ خَلَعَ الْأَنْدَادَ وَ الْفِطْرَةَ الْحَنِيفِيَّةَ السَّمْحَةَ لَا رَهْبَانِيَّةَ وَ لَا سِيَاخَةَ.

روزی همسر عثمان بن مظعون^۱ نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! عثمان روزها روزه می‌گیرد و شب‌ها به نماز می‌ایستد. رسول خدا ﷺ با شنیدن این سخن برخاست و خشمناک به سوی خانه عثمان رفت. چون به آنجا رسید، او را در حال نماز یافت. عثمان با دیدن پیامبر ﷺ از نماز خود دست کشید. آن حضرت به او فرمود: «یا عُمَانُ لَمْ يُرْسِلْنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَ لَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ أَصُومُ وَ أُصَلِّي وَ أَلْمَسُ أَهْلِي فَمَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلْيَسْتَنَّ بِسُنَّتِي وَ مِنْ سُنَّتِي النَّكَاحُ»؛^۲ «ای عثمان! خداوند متعال مرا به رهبانیت نفرستاده؛ بلکه به دین حنیف [حق‌گرای] آسان و باگذشت برانگیخته است. من روزه می‌گیرم و نماز می‌خوانم و با همسرم آمیزش می‌کنم؛ پس هر که فطرت [دین] مرا دوست دارد، باید از سنتم پیروی کند و زناشویی جزئی از سنت من است».

در روایت دیگر از آن حضرت چنین آمده است: «بدانید که من نماز می‌خوانم و می‌خوابم و روزه می‌گیرم و افطار می‌کنم^۳ و می‌خندم و می‌گیرم، پس هر که از روش و سنت من روی بگرداند، از من نیست».

هر چند در جوامع اسلامی معاصر، پدیده‌ای همچون رهبانیت به ندرت و تنها در برخی شاخه‌های تصوف و عرفان یافت می‌شود؛ ولی موارد دیگری از زیاده‌روی در عبادت مشاهده می‌شود که با آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی همراه است، مانند کسانی که عبادت و شرکت در مراسم مذهبی را دلیل موجهی برای بی‌اعتنایی به خانواده می‌دانند و گاه همه اوقات ایام تعطیل خود را به برنامه‌های مذهبی و تفرج با برادران دینی می‌گذارند. در حالی که دین اسلام، بر رعایت حق همه حق‌داران تأکید کرده و حتی ظریف‌ترین نکات حقوقی را نیز لحاظ کرده است. برای مثال

۱. عثمان بن مظعون، یار مخلص و باوفای پیامبر اکرم ﷺ بود که در زمان حیات آن حضرت از دنیا رفت.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۵، ص ۴۹۴، ح ۱.

۳. نماز می‌خوانم و می‌خوابم، یعنی شب‌ها بی‌وقفه مشغول عبادت نیستم؛ بلکه پاره‌ای از شب را نماز می‌خوانم و پاره‌ای از آن را می‌خوابم. افطار هم در اینجا به معنای باز کردن روزه نیست؛ بلکه در مقابل صیام و به معنای ترک روزه است.

رسول خدا ﷺ به زنان مسلمان می فرمود: «لَا تَطُولُنْ صَلَاتِكُنَّ لِتَمْنَعَنَّ أَرْوَاجَكُنَّ»^۱: «نمازتان را طول ندهید تا شوهرانتان را منع کنید». مراد از منع شوهران در این روایت، بازداشتن آنان از حقوق جنسی شان است. یا زمانی علاء بن زیاد حارثی از برادرش عاصم نزد امیرالمؤمنین علیه السلام شکایت کرد که وی عباپی بر دوش انداخته و دنیا را رها کرده است، آن حضرت به عاصم فرمود:

«ای دشمنک خود! شیطان خبیث از تو بهره گرفته است! آیا به خانواده و فرزندان رحم نمی کنی؟! آیا می پنداری که خداوند پاکیزه ها را برای تو حلال کرده، اما از بهره برداری تو از آنها ناخشنود است؟! تو نزد خدا کوچک تر از این هستی».^۲

۲. مدارا در دین داری

بنا بر این روایت زیبای نبوی که فرموده است: «إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ؛ فَأَوْغُلُوا فِيهِ بِرِفْقٍ وَلَا تُكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالزَّكَاكِبِ الْمُنْبِتِ الَّذِي لَا سَفْرًا قَطَعَ وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى»^۳: «این دین متین (با صلابت) است؛ با مدارا در آن سیر کنید و عبادت خدا را نزد بندگان خدا ناخوشایند نکنید؛ تا بسان سواری باشید که آن چنان مرکبش را خسته کرده که نه مسافتی پیموده و نه پشت سالمی برایش باقی گذاشته است»؛ در طبیعت دین، نوعی سختی و صلابت نهفته است که اگر آدمی با مدارا در آن وارد شود و در آن حرکت کند، به مقصد نهایی و اعلای دین نائل می شود. جسم و جان دیندار به سان مرکبی است که در زمینی سفت و محکم سیر می کند؛ پس اگر زیاد به آن فشار آورد، آن را از پا در می آورد و اگر هم آن را به حرکت در نیاورد و در جای خود بایستد، از رسیدن به مقصد اصلی آفرینش باز خواهد ماند.

بی شک یکی از مشکلات اصلی جامعه امروز ما تفریط در عبادت است، ولی این

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۵، ص ۵۰۸، ح ۱.

۲. شریف الرضی؛ *نهج البلاغه*؛ خ ۲۰۹، ص ۳۲۴-۳۲۵: «بَا عَدَى نَفْسِهِ لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْحَبِيبُ أَمَا رَجِمَتْ أَهْلَكَ وَوَلَدَكَ أَتَرَىٰ اللَّهُ أَحَلَّ لَكَ الطَّيِّبَاتِ وَهُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا أَنْتَ أَهْوَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ».

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۲، ص ۸۶.

پدیده معلول عواملی است که یکی از آنها، افراط‌های پیشین است. برای مثال در مجالس مذهبی و برنامه‌های عبادی هم‌چون نمازهای جمعه و جماعت، سخنرانی و عزاداری گاه ظرفیت و طاقت همه مخاطبان سنجیده نمی‌شود. طولانی شدن بیش از حد این مجالس، سبب زدگی و فرار نوجوانان و جوانان از آن مجالس و تخریب ذهنیت آنان نسبت به دینداری می‌شود و - هم‌چون فرموده امام صادق علیه السلام در داستان معروف مرد مسلمان و همسایه نصرانی اش^۱ - از همان راهی که مردم را به دین در می‌آوریم، از همان راه هم آنان را به در می‌بریم. در حالی که اسلام حتی در نماز جماعت - این مهم‌ترین برنامه عبادی دین - نیز بر کوتاه بودن آن و رعایت حال ضعیف‌ترین مأمومان تأکید می‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام در عهدنامه خود به مالک اشتر می‌فرماید:

وقتی برای مردم به نماز جماعت ایستادی [با طول دادن نماز] آنان را از نماز نفرت مده و [با کوتاه کردن بیش از حد نماز نیز] آن را تباه مکن؛ چرا که در میان مردم بیماران و کسانی هستند که حاجتی (کاری) دارند. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به سوی یمن فرستاد، از او پرسیدم با آنان چگونه نماز بگذارم؟ فرمود: «صَلِّ بِهِمْ كَصَلَاةِ أضعفهم وَ كُنْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» «هم‌چون نماز ضعیف‌ترین آنان نماز بخوان و با مؤمنان مهربان باش»^۲.

طبیعت بشر با نیازهای جسمی هم‌چون خوراک، پوشاک، همسر و استراحت و غلبه حالات جسمی و روحی مانند کسالت و نشاط، بیماری و سلامت، غم و شادی و بیم و امید، عجین شده است و حتی معصومین علیهم السلام نیز از این قاعده مستثنا نیستند؛ برای مثال در روایات متعددی که سنت شب‌زنده‌داری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را توصیف می‌کند، به استراحت شبانه آن حضرت پس از نماز عشا تصریح شده و در برخی از آنها، بر استراحت متناوب آن حضرت در فواصل نماز شب هم اشاره شده^۳ که بدون

۱. همان؛ ص ۴۳-۴۴.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ ص ۴۴۰، نامه ۵۳.

۳. رک: محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۳، ص ۴۴۵، ح ۱۳؛ شیخ طوسی؛ تهذیب الأحکام؛ ج ۲، ص ۳۳۴، ۲۳۳. نیز رک: قاضی نعمان؛ دعائم الإسلام؛ ج ۱، ص ۲۱۱.

شک سرّ این شیوه، چیزی جز خستگی و نیاز طبیعی ایشان به استراحت نبوده است. افزون بر نکات فوق، بشر حال روحی یکنواخت و یکسانی ندارد و پیوسته در حال دگرگونی و انتقال از حالی به حال دیگر است؛ گاه نشاط و سرزندگی بر دلش چیره می‌شود و میل به عبادت و عشق به آن در وجودش شعله می‌کشد و گاه رخوت و ملالت بر دلش چیره می‌شود و تمایلش به عبادت کاهش می‌یابد. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام از این حقیقت با اقبال و ادبار (رو آوردن و پشت کردن) دل‌یاد شده است. تشخیص این حالت به دست خود انسان است و بر طبق روایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام باید در هنگام ادبار قلب، به واجبات بسنده کند و اگر در هنگام ادبار دل و بی‌میلی خود را به عبادات مستحب وا دارد، کوردل و بی‌بصیرت می‌شود.^۱

۳. مدیریت زمان در زندگی عبادی

دسته‌ای از روایات، شیوه مدیریت زمان و برنامه‌ریزی در زندگی را برای دینداران بیان می‌کند که از این روایات نحوه تقسیم زمان و جایگاه برنامه عبادت در زندگی و نسبت آن با برنامه‌های دیگر نیز مشخص می‌شود؛ از جمله امام صادق علیه‌السلام در این زمینه فرموده است:

«إِنَّ فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ يَتَّبِعِي لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ لَا يَرَى طَاعِنًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ؛ مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ تَرَوُدٍ لِمَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ ذَاتِ مُحَرَّمٍ وَ يَتَّبِعِي لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَةٌ يُفْضِي بِهَا إِلَى عَمَلِهِ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سَاعَةٌ يُلَاقِي إِخْوَانَهُ الَّذِينَ يُفَاوِضُهُمْ وَ يُفَاوِضُونَهُ فِي أَمْرِ آخِرَتِهِ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ لَذَاتِهَا فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ فَإِنَّهَا عَوْنٌ عَلَى تِلْكَ السَّاعَتَيْنِ»؛ «در حکمت آل داوود علیهم‌السلام چنین آمده است: برای مسلمان خردمند، سزاوار است که جز برای سه چیز در حال سفر (و کوچ) دیده نشود؛ اصلاح زندگی خود یا توشه برداشتن برای آخرت یا لذت بردن با چیز غیر حرام؛ و

۱. رک: شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ ص ۵۳۰، حکمت ۳۱۲؛ همان، ص ۵۰۳؛ عبدالواحد آمدی؛ غرر الحکم؛ ص ۲۴۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۸۷، ح ۱. نیز رک: شریف الرضی؛ نهج البلاغه، ص ۵۴۵، حکمت ۳۹۰؛ ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۴۰۹؛ منسوب به امام رضا علیه‌السلام؛ فقه الرضا علیه‌السلام؛ ص ۳۳۷.

برای مسلمان خردمند شایسته است که زمانی داشته باشد که در آن با فراغت بال به کارهای میان خود و خدای عزوجل پردازد؛ و زمانی که در آن برادرانش را ملاقات کند و در امر آخرتش با یکدیگر گفتگو کنند؛ و زمانی که نفس خود را با لذت‌های غیرحرامش تنها و آزاد بگذارد که به راستی این [یعنی لذت] کمکی بر آن دو زمان [دیگر] است».

در این روایت و روایات مشابه با آن، در مجموع بر تقسیم اوقات فرد مؤمن خردمند به سه بخش تأکید شده است:

۱. گام برداشتن در مسیر آخرت که به شیوه‌های متعددی مثل عبادت و مناجات با خدا، محاسبه نفس و مذاکره علمی با برادران دینی است؛

۲. اصلاح معیشت و زندگی با کار؛

۳. بهره‌مندی از لذت‌های حلال زندگی به منظور تجدید قوای جسمی و روحی و کسب آمادگی برای پرداختن به امور معاد و معاش.

اسلام با اینکه زندگی انسان تنها صرف عبادت یا کار یا لذت شود، مخالف است. اختصاص فرصتی در شبانه‌روز به منظور بهره‌مندی از لذت‌های حلال، دستیار انسان در بهره‌برداری بهینه از فرصت عمر، برای پرداختن به کار و عبادت است؛ مانند استراحت‌گاه‌های بین راهی که سبب استراحت و خستگی‌زدایی از جسم و جان و کسب نشاط و شادابی برای طی مراحل بعدی سفر است.

نگاهی به سیره عبادی معصومین علیهم‌السلام مانند نماز، روزه مستحب، شب‌زنده‌داری و تلاوت قرآن ایشان، بیانگر نظم و انضباط عجیب حاکم بر آن بوده است؛ مانند اختصاص نیمه دوم شب به عبادت همراه با استراحت‌های مختصر و متناوب و فاصله طلوع فجر تا طلوع آفتاب و نیز هنگام غروب آفتاب به تلاوت و دعا و ذکر. در مجموع عبادات شبانه آنان بیش از عبادت روزانه‌شان بوده است. از طلوع خورشید تا غروب آن را نیز بیشتر به کار و تلاش، رسیدگی به شئون امامت و هدایت امت و توجه و رسیدگی به خانواده می‌گذرانده‌اند. البته از ابتدای ماه رجب تا پایان ماه رمضان، جدیت آنان در عبادات شبانه و روزانه بیشتر می‌شده و در دهه آخر ماه رمضان، به‌ویژه در شب قدر به اوج خود می‌رسیده است. از ماه رمضان تا ماه

رجب نیز به شکل عادی عبادت می کرده و در کنار آن، در برخی از ایام خاص مثل نیمه شعبان و مبعث نیز در عبادت بسیار کوشا بوده‌اند.^۱

در اینجا شاید این شبهه مطرح شود که چرا در اسلام نسبت به بعضی از عبادات مثل دعا و نماز این همه سفارش شده است؛ به گونه‌ای که اگر انسان بخواهد همه آنها را به جا آورد، از زندگی روزمره اش عقب می ماند. آیا این با دیدگاه اسلام پیرامون تقسیم سه گانه اوقات شبانه روز منافات ندارد؟

در پاسخ به این شبهه، دو نکته را باید در نظر داشت:

نکته اول: در جایی توصیه نشده است که انسان همه این دعاها یا نمازها را یکجا بخواند؛ بلکه هر کس می تواند به تناسب وقت و حوصله خود به صورت متناوب، برخی از آنها را انتخاب کند و بخواند. برای مثال اگر هفت دعای مفصل برای وقت بامداد وارد شده، در هر روز هفته می تواند یکی از آنها را بخواند.

نکته دوم: هر کدام از دعاها یا نمازهای وارد شده، در حکم نسخه‌ای است که مخاطبان خاص دارد و همه دعاها یا همه نمازهای وارد شده، برای همه افراد تجویز نشده باشد؛ برای مثال در ادعیه هنگام صبح و مغرب با دو سطح از دعا روبه‌رو هستیم: ۱. دعاهای کوتاه برای عموم مردم و افرادی که فرصت و توان کمتری برای دعا خواندن دارند؛ ۲. دعاهایی که برای اهل معرفت و اصحاب خاص صادر شده است. برای مثال فردی از اهالی شام به نام «هلقام»، خدمت امام کاظم علیه السلام رسید و عرضه داشت: «فدایت کردم! به من دعایی یاد بده که هم جامع برای دنیا و آخرت و هم کوتاه باشد.» حضرت به او فرمود:

در تعقیب نماز صبح تا هنگام طلوع آفتاب بگو: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ»^۲ «خداوند بزرگ را تسبیح و حمد می کنم، از خدا
طلب آمرزش و از فضل او درخواست می کنم.»

۱. مؤلف این مطلب را در کتاب *درآمدی بر سبک بندگی ابعاد کمی و کیفی عبادات معصومان علیهم السلام* با تفصیل بیشتری بررسی کرده است که خواننده محترم برای مطالعه پیرامون این موضوع در کنار منابع دیگر، می تواند به منبع فوق نیز مراجعه کند.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۲، ص ۵۵۰.

روشن است که در اینجا مخاطب امام یک مؤمن عادی بوده است؛ از این رو امام هم به فراخور حال او، نسخه‌ای کوتاه از ذکر و دعا برایش می‌پیچد که به آسانی آن را حفظ کند و حتی با امکان مداومت بر آن در حین انجام دیگر کارها، به مرتبه کمالی متناسب با شأن و استعداد خود برسد. این در حالی است که ائمه علیهم‌السلام برای همان وقت صبح و پسین برای اصحاب خاص که در درجات بالای علم و معرفت بوده‌اند؛ مثل ابوبصیر و ابوحمزه ثمالی، ذکرها و دعاهای مفصلی تجویز کرده‌اند که گاه بیش از ده سطر است.^۱

۴. پیامدهای تفریط در عبادت

در بحث جایگاه عبادت در سبک زندگی اسلامی افزون بر نکات پیش گفته، باید به مبحث تفریط و کوتاهی در عبادت نیز نگاهی بیندازیم؛ چرا که این بحث نیز از معضلات اصلی جامعه معاصر است. تفریط در عبادت علل متعددی هم‌چون ضعف اعتقاد، سستی و تنبلی و راحت‌طلبی، حرص بر مالاندوزی و دنیاطلبی، پرداختن بیش از حد به همسر و فرزند دارد که برای هر یک از آنها باید به تناسب خود چاره‌اندیشی شود. کوتاهی در هر یک از عبادت‌های واجب و مستحب پیامدهای خاصی را دارد ولی از آنجا که نماز مهم‌ترین فریضه دینی است کمی درباره تفریط در نمازهای یومیه سخن می‌گوییم. درباره نمازهای واجب یومیه، چند سفارش کلی وارد شده است که کوتاهی نسبت به هر یک از آنها مصداق تفریط در این عبادت بزرگ است:

۱. خواندن نماز؛ که ترک نماز بارزترین مصداق تفریط در عبادت است. هشدارهای دینی نسبت به ترک نماز بسیار سنگین است برای مثال قرآن کریم از زبان مجرمان یکی از علل افتادن آنان به دوزخ را ترک نماز بیان می‌کند: «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»^۲ «گفتند: ما [در دنیا] از نمازگزاران نبودیم.» و در جای دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»^۳ «و کسی که از یاد من روی

۱. همان؛ ص ۵۲۵-۵۲۸.

۲. مدثر: ۴۳.

۳. طه: ۱۲۴.

برتابد در تنگنای زندگی خواهد بود و روز قیامت او را کور محشور می‌کنیم». مهم‌ترین یاد خدا نیز نماز است؛ هم‌چنانکه در قرآن کریم هدف از اقامه نماز را یاد خدا می‌داند.^۱

۲. **محافظت بر اوقات نماز و خواندن نماز اول وقت که سفارش‌های مکرر درباره آن وارد شده است** از جمله در بیان امام صادق علیه السلام خطاب به ابان بن تغلب محافظت بر نمازهای پنجگانه واجب سبب ورود به بهشت دانسته شده است.^۲ در روایت امام باقر علیه السلام نیز آمده است که نماز اول وقت سفید و درخشان به سوی صاحبش بر می‌گردد و نماز در غیر وقت و بدون رعایت حدودش سیاه و تاریک به سوی صاحبش باز می‌گردد.^۳ در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام تأخیر بدون عذر نماز از اول وقت، مصداق آیه «فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^۴ شمرده شده است.^۵

۳. **درست خواندن نماز و رعایت حدود و احکام نماز و ترک شتابزدگی در انجام اجزای نماز مثل رکوع و سجده که در این زمینه نیز روایات متعددی در دست است؛** از جمله امام باقر علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بود که مردی وارد شد و به نماز ایستاد، اما رکوع و سجده‌اش را به درستی انجام نداد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مانند منقار زدن کلاغ بر زمین، منقار زد. اگر این فرد بمیرد و نمازش این‌چنین باشد، بر دین من نمرده است».^۶

کوتاهی نسبت به وقت نماز یا درست خواندن آن، مصداق تضييع نماز یا سبک شمردن نماز یا سهل‌انگاری و غفلت نسبت به نماز است که در آیات و روایات متعدد نکوهش شده است.

۱. طه: ۱۴: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي».

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۳، ص ۲۶۷، ح ۱ و ص ۲۶۹-۲۷۰؛ نیز: ر. ک: مؤمنون: ۹.

۳. همان؛ ص ۲۶۸، ح ۴.

۴. ماعون: ۴: «وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافل‌اند».

۵. علی بن ابراهیم قمی؛ *تفسیر القمی*؛ ج ۲، ص ۴۴۴.

۶. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۳، ص ۲۶۸، ح ۶.